

## بررسی و تحلیل ظرفیت های ناجا در تحقق بینه گام دوم

باقر گرگین<sup>۱</sup>، علیرضا بهمن نژاد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۱

### چکیده

**زمینه و هدف:** نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان بخشی از حاکمیت، مسئول حفظ امنیت، آسایش و آرامش عمومی مردم جامعه است. این نهاد به عنوان مجری قواعد و برقرار کننده ی نظم و امنیت اجتماعی بوده و پیوسته در ارتباط و تعامل با مردم است. تعامل بین نیروهای پلیس و افراد جامعه نیاز به اعتماد متقابل را دو چندان می سازد. گستردگی دامنه مسوولیت ها و چالش های فراوان پیش روی پلیس از یک طرف و وظیفه سنگین برقراری امنیت اجتماعی از طرف دیگر، ضرورت پلیس مقتدر و در عین حال مردمی را بیش از پیش نمایان می کند.

**روش تحقیق:** این پژوهش از نظر روش شناسی از نوع توصیفی- و روش جمع آوری اطلاعات از طریق فیش برداری اطلاعات کتابخانه ها، کتب و سایتهای علمی تخصصی و فصلنامه های متناسب با موضوع می باشد.

**نتایج و یافته های تحقیق:** اگرچه تحقیقات خوبی در زمینه توانمندی ها و ظرفیت های ناجا در تحقق جامعه اسلامی انجام شده، ولی موارد که بتوان آنها را با نیاز مدیریتی و ماموریتی پلیس ایران تطبیق داد بسیار اندک است و لازم است عواملی همچون دیدگاه های دینی، و ویژگی های بومی و جنبه های معنوی و ضابطه مداری سازمان پلیسی در آن ها دخالت داده شود و چارچوب مناسب برای این امر فراهم گردد. به علاوه، آنچه ضرورت پژوهش حاضر را بیشتر می کند، انتظارات مقام معظم رهبری از ناجا برای افزایش قابلیت ها و تواندایی های مدیران و فرماندهان این نیرو است

**واژه های کلیدی:** توانمندی ها، ظرفیت ها، ناجا، جامعه اسلامی.

<sup>۱</sup>-دکتری معارف استادیار و عضو هیئت علمی گروه روانشناسی دانشگاه آزاد B\_Gorgin65@yahoo.com

<sup>۲</sup>- دانشجویی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد بوشهر Areza.bahmannejad@gmail.com

### مقدمه و حدود مساله

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران اصلی ترین بازوی اجرایی کشور در زمینه حفظ و برقراری امنیت می باشد و باید گفت که دستیابی به امنیت پایدار، بدون توجه به هویت ملی و حفظ وحدت، امری ناممکن است. (آذری، ۱۳۹۵: ۲۴) با توجه به این نکته است که نقش و ضرورت وجود نیرویی به عنوان پلیس بر کسی پوشیده نیست و از اینجا است که پلیس نقش خود را باید درک کند و با مهارت‌های لازم آشنا شده و سیره علمی و عملی خویش را کامل کرده و با تجهیزات و امکانات لازم وارد صحنه شده که بتواند دو امر مهم را به انجام برساند، یکی برقراری امنیت و دیگری حفظ و نگهداری آن و حافظان امنیت با کمک متولیان امر باید برنامه‌ریزی پایدار و دقیق و عالمانه‌ای را در جامعه اسلامی ادامه داده و آن را نهادینه کرده تا موفق به اهداف خویش گردند به خاطر همین است که امنیت‌ها مورد اشاره در جامعه اسلامی به هم اتصال و ارتباط دارند و باعث صعود و نزول جامعه می‌شوند، برای مثال اگر امنیت فردی مورد بی حرمتی و بی توجهی قرار گرفته باشد و در اجتماع انسانی فراموش گردد، دیگر امنیت‌ها هم حتی امنیت اعتقادی، دست‌خوش اختلال می‌شوند، زیرا جایی برای تفکر صحیح و آرام در محیط امن و آرام وجود ندارد و پاسخ درست و قابل‌قبولی نیز ارائه نمی‌گردد و پرواضح است که امنیت اعتقادی چنان جایگاهی دارد که اگر اختلالی در آن صورت گیرد، در سایر امنیت‌ها اختلال صورت می‌گیرد و هیچ چیز به اندازه فروپاشی امنیت اعتقادی در تزلزل انسان و شخصیت او و حرکت تعالی و کمالی‌اش مؤثر نیست". (میری، ۱۳۹۴: ۴۸)

آنچه می‌تواند پلیس را در انجام وظایف گسترده اش در جامعه یاری برساند، مقبولیت و پذیرش مردمی است که این نهاد را به یک نهاد جامعه محور تبدیل خواهد کرد. حضرت امام (ره) همواره بر این تاکید داشتند که مردم، عامل پیروزی نهضت بودند؛ و عنصر مهم بقای نهضت نیز مردم هستند؛ ایشان در این باره می‌فرمایند: "ملت بود که این نهضت را به پیش برد و ملت است که باید از این به بعد نیز به پیش ببرد". (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸)

یکی از روش‌های اثربخش در مدیریت امام خمینی(س)، تسخیر قلوب مردم بود. مدیریت امام، بر مبنای دو شاخص اساسی، یعنی خدامحوری و داشتن انگیزه الهی و مردم‌گرایی استوار بود. تلازم این دو عنصر، شیوه نوینی را در مدیریت ارائه داده است که اثربخشی آن در روش حکومت بر قلوب تاثیر بسزایی دارد. امروز یکی از شعارها و برنامه‌های اصلی ناجا، پیاده‌سازی و دنبال کردن موضوع پلیس جامعه محور در کشور است. (پارسا، ۱۳۸۰: ۴۸)

بسیاری از کارشناسان معتقدند باید پلیسی مردمی و جامعه محور به وجود آید تا با ایجاد انگیزه و دخالت مردم در امنیت کشور زمینه و بستر را همراهی افکار عمومی با انجام وظایف

پلیس و تعامل میان پلیس و مردم در جهت ارتقاء امنیت عمومی فراهم سازد. همچنین مشارکت عمومی مردم و تشکیل پلیس جامعه محور، موجب افزایش نظم و انسجام اجتماعی و افزایش امنیت و مقبولیت اجتماعی پلیس و نیز برقراری روابط عاطفی میان پلیس و مردم خواهد شد. با توجه به نیاز حیاتی و اساسی جامعه به حفظ نظم و کنترل اجتماعی، اعتماد عموم مردم به پلیس یک مقوله بسیار مهم و تعیین کننده است زیرا پلیس دارای اختیار اعمال قدرت است و می تواند در مواجهه با شهروندان از اجبار استفاده کند و لازم است برای بهره گیری کارآمد از این ابزار قانونی اعتماد عمومی را به خود جلب کند زیرا، پلیس باید بتواند برای رفتارها و اعمالی که در جهت امنیت عمومی از خود بروز می دهد رضایت و اعتماد عمومی را به عنوان یک پشتوانه ذی قیمت جلب کند. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۵۷)

لذا نیروی انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت موثر و کارآمد نیاز دارد که رابطه تعاملی سازنده ای با شهروندان برقرار نماید. زیرا در رویکرد جامعه محور امنیت تنها وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس، جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات به باور و هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثر بخشی اقدامات قانونی است.

رهبر معظم انقلاب در فرآزی از سخنانشان می فرمایند: "پلیس باید پناهگاه مردم باشد." معظم له فلسفه وجودی پلیس را آسایش مردم، آرامش محیط زندگی آنها و برقراری نظم می داند تا مردم دچار ناراحتی نشوند. ایشان برای پلیس چهره ای دو وجهی قائل اند که هم می تواند مظهر عطف و محبت نظام و هم مظهر تدبیر، مدیریت و کاردانی آن باشد. از دیدگاه رهبری یکایک افراد نیروی انتظامی باید مجاهدت کنند تا این نیرو را به سطح پلیس اسلامی کامل که مامن مردم است، برسانند.

مقبولیت مردمی از جمله عوامل اعتماد ساز برای پلیس است. سینه سپر کردن پلیس در مقابل خطرهایی که مردم را تهدید می کند، موجب افزایش مقبولیت و اعتماد اقشار گوناگون به پلیس می شود. یکی دیگر از عوامل اعتماد ساز، حفظ ارزش های مورد توقع و احترام مردم و گرایش و توجه پلیس به امور خیر است. (نصری، ۱۳۸۵: ۱۹)

مقام معظم رهبری ایمان، صداقت، شجاعت، خوشفکری، بی غرضی، بی طمع، پاکدستی و پاکدامنی را از جمله عوامل حفظ صندوقچه یا گنجینه پر ارزش اعتماد مردم نسبت به پلیس بر می شمارند. به همین دلیل ایشان احترام به حساسیت های مردم نسبت به شعائر اسلامی توسط پلیس را به جراحی چشم تشبیه می کنند که بسیار ظریف است و یک اشتباه، فاجعه به بار می آورد؛ خصوصاً آنکه ماموران ناجا در همه جا با مردم سروکار دارند. حضرت آیت الله خامنه ای

رهبر معظم انقلاب اسلامی و فرمانده کل قوا، در سال ۷۴ در دیدار فرماندهان و جمعی از پرسنل نیروی انتظامی با ایشان، که به مناسبت فرارسیدن هفته نیروی انتظامی انجام شد، طی سخنانی از اقتدار، عزت، رحمت و رافت، به عنوان سه خصوصیت ضروری برای نیروی انتظامی کارآمد و مورد قبول جامعه اسلامی نام بردند و پاسداری از ارزشهای اسلامی و انقلابی را بزرگترین وظیفه نیروی انتظامی دانستند. (خامنه ای، ۱۳۷۴/۴/۲۱)

ایشان شکل گیری یک تصویر کاملاً مطلوب از نیروی انتظامی را در ذهن مردم ضروری می دانند و معتقدند: "باید تصویر یک «یار مهربان و مقتدر» از نیروی انتظامی، در ذهن مردم ترسیم شود. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: «اقتدار و قاطعیت بدون بی رحمی»، «سلامت درونی»، «حضور بهنگام و سریع»، «عطوفت و کمک به مردم»، و «قانون گرایی» عواملی هستند که موجب ارائه تصویری مثبت از نیروی انتظامی خواهد شد. (خامنه ای، ۱۳۹۵/۲/۱۹)

رهبر معظم انقلاب به عنوان دیده ای تیزبین و مشرف بر همه ابعاد جامعه، توقعات مردم از نیروی انتظامی را در چند ویژگی خلاصه می کنند و می فرمایند: "مردم می خواهند نیروی انتظامی، قوی و مقتدر باشد، هوشمند و پیچیده باشد، سالم و امین باشد، سریع و بهنگام باشد، مؤدب و اهل بیان و تفاهم با مردم باشد. این انتظارات مردم از نیروی انتظامی ماست." (خامنه ای، ۱۳۹۵/۲/۱۹)

اگرچه تحقیقات خوبی در زمینه توانمندی ها و ظرفیت های ناجا در تحقق جامعه اسلامی انجام شده، ولی مواردی که بتوان آنها را با نیاز مدیریتی و ماموریتی پلیس ایران تطبیق داد بسیار اندک است و لازم است عواملی همچون دیدگاه های دینی، و ویژگی های بومی و جنبه های معنوی و ضابطه مداری سازمان پلیسی در آن ها دخالت داده شود و چارچوب مناسب برای این امر فراهم گردد. به علاوه، آنچه ضرورت پژوهش حاضر را بیشتر می کند، انتظارات مقام معظم رهبری از ناجا برای افزایش قابلیت ها و تواندایی های مدیران و فرماندهان این نیرو است حال با این مقدمه، هدف اصلی پژوهش حاضر، شناسایی توانمندی ها و ظرفیت های ناجا در تحقق جامعه اسلامی است و پژوهش قصد دارد به این سوال اساسی پاسخ دهد که مهمترین توانمندی ها و ظرفیت های ناجا در تحقق جامعه اسلامی چیست؟

### مفهوم شناسی

واژه «جامعه» علی رغم کاربرد فراوان خود هنوز تعریف جامع و مانع نیافته است (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۶) و یکی از واژگان مبهم و کلی در میان اندیشمندان اجتماعی است (باتامور، ۱۳۵۷: ۱۲۴ و کولد و گولب، ۱۳۷۶: ۲۸۷). این ابهام تا جایی گسترش یافته که گاه با واژگانی مانند

«ملت»، «امت»، و مفاهیم دیگری، حتی با مجموعه گسترش یافته‌ای در دوره قابل ملاحظه‌ای از زمان، یعنی «تمدن» نیز مترادف شده است و گاه برخی عالمان اجتماعی، آن را صرفاً به اجتماع‌های بزرگ اطلاق کرده‌اند که رابطه‌ای پیکرینه (آرگانیک) میان اجزاء و بافت‌های متشکل آن برقرار است و جوامع کوچکتر را که به مرحله مدنیّت نرسیده‌اند، جماعت، گروه، دسته و... نامیده‌اند (کینگ، ۱۳۵۵: ۲۰۱).

در نگرش بسیاری از عالمان اجتماعی، میان «جامعه» و «اجتماع» نیز تمایز نهاده شده است. جامعه مبتنی بر اراده اندیشیده، روابط صوری و قراردادی بین انسان‌ها دانسته شده، حال آن که آنچه در زبان فارسی، «اجتماع» یا «جامعه» معنوی ترجمه شده، ناشی از اراده ارگانیک و پیوند عاطفی بین انسان‌هاست (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۸۰۷).

در زبان عربی قدیم، این واژه صرفاً کاربرد لغوی داشت و به معنای اصطلاحی و رایج امروزی آن ارتباطی ندارد. در قرآن نیز واژه «جامعه» با مشتقات آن به مفهوم رایج و اصطلاحی آن نیامده است، اما با توجه به تعریف‌ها و ویژگی‌هایی که برای جامعه شمرده می‌شود، ساخت‌ها و واژگان اجتماعی دیگری را که زیرمجموعه این مفهوم هستند، می‌توان در آیات متعددی باز یافت که دلالت بر وجود، ویژگی‌ها و سنت‌های موجود آن دارد، مانند فئه، قرن، قریه، شعوب، رهط، امت، خانواده، قوم، حزب، طائفه، قبیله، معشر، مدینه، ساکنان یک سرزمین وسیع، افراد پیرامونی یک دین و... بنابراین، مفهوم جامعه از دیدگاه قرآن، یک مفهوم تشکیکی است. (گلابی، ۱۳۷۸: ۱۲)

از نظر لغوی، واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده می‌باشد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸ق). در عرف نیز هر موردی که بتواند برای گروهی از مردم، وجهی جامع و جهت وحدتی اعتبار کرد، اطلاق لفظ جامعه بر آن رواست، اما در معنای اصطلاحی این مفهوم، دانشمندان علوم اجتماعی، قیدهایی را لازم دانسته‌اند که در کم و کیف آن اختلاف زیادی پدید است که دستیابی به یک تعریف روشن، جامع و مانع را غیرممکن یا دشوار کرده است، به‌ویژه اگر مقصود از تعریف «جامعه»، روشن ساختن حقیقت جامعه باشد نه تعریفی ساده و اجمالی از آن؛ زیرا توصیف وضعیت جامعه از تمام ابعاد، برای دستیابی به تعریفی کامل و جامع، امری ممتنع است. بنابراین، در تعریف اصطلاحی، به کلیاتی ساده و اجمالی از آن بسنده می‌شود. (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ۹۹)

با این وصف، هر یک از عالمان اجتماعی، بر حسب وابستگی به مکتب یا رویکرد خاص، در تعریف خود از جامعه به عناصری اشاره کرده‌اند؛ مثلاً برخی به عناصری مانند اهداف عام‌المنفعه تأکید کرده‌اند (کینگ، ۱۳۵۵: ۲۰۱ و صلیبا، ۱۳۷۰: ۱۵۲)، برخی دیگر سنت‌ها،

عبادات، رسوم، شیوه زندگی و فرهنگ مشترک را عناصر اساسی در تعریف جامعه برشمرده‌اند. عده‌ای وحدت جزئی جسمی، روانی و اخلاقی بین موجودات هوشمند، بر خورداری از حکومتی پویا، فراگیر و کارآمد، یا هدف، سرزمین و فرهنگی مشترک و پیوندهای زیستی، فنی و فرهنگی را مهم دانسته‌اند (بیرو، ۱۳۶۶: ۳۸۷) و عده‌ای آن را به جمع شدن ارادی افراد برای به دست آوردن امتیازهای مستقیم و غیرمستقیم تعریف کرده‌اند (سووه، ۱۳۵۸: ذیل واژه جامعه و گولد، ۱۳۷۶: ۲۸۸).

در یک نگاه کلی، می‌توان جامعه را عبارت از مجموعه انسان‌هایی دانست که در جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۷۷: ۳۳۳) و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آنها را به هم پیوند می‌دهد و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است (صلیبیا، ۱۳۷۰: ۱۵۲).

اجتماع، مردم یک کشور یا یک شهر یا ده (عمید، ۴۴۳). وضع و حالت انسان‌ها که تحت یک قانون مشترک زیست می‌کنند. اجتماع انسانی که تحت جامعه اسلامی و نقش پلیس در تحقق امنیت آن قوانین معینی زندگی می‌کنند. گروهی از مردم که برای رسیدن به هدف خاصی تحت قواعد معین گرد هم جمع می‌آیند. اما در جامعه اسلامی افراد مسلمانی که در جایی یا شهری یا مکانی یا کشوری زندگی می‌کنند و معتقد به قوانین الهی هستند صادق است. طرفداران نظریه اصالت افراد معتقدند که پدیده‌های اجتماعی چیزی جز مجموعه‌ای از پدیده‌های فردی نیست و برای درک تحولات اجتماع، درک اعمال و روحيات افراد کافی است. این اشخاص فراموش می‌کنند که خواه در طبیعت و خواه در جامعه، مجموع دار ای خواص معینی است. درست است که انسان مجموعه‌ای از سلول‌هاست، ولی دارای خاصیتی است که سلول فاقد آن خاصیت می‌باشد.

هربرت اسپنسر در کتاب خود موسوم به اصول علم اجتماع، می‌گوید: اجتماع از افراد تشکیل شده، چنان که بدن از سلول‌ها به وجود آمده است جامعه حق طبیعی و قبلی است. ژان ژاک روسو معتقد است طبق قرارداد اجتماعی که با رضایت افراد منعقد گردیده است جانشین آن شده است واژه جامعه شناسی هم به معنای شناخت جامعه، آشنایی به احوال جامعه تعریف شده است. علمی که اوصاف کلی و عمومی جوامع انسانی را مطالعه می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۹۳)

جامعه اسلامی در آغاز می‌توان گفت انبیاء با قیام به عدالت و دعوت به عبودیت به عنوان غایت آفرینش و تلاش در راه عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی و حرکت به سوی مقصد نهایی

به امنیت در همه وجوه آن تأکید بسیار نمود وعده داده خداوند به کسانی که از شما ایمان آوردند و عمل صالح انجام می دهند آنها را جانشینان روی زمین قرار می دهیم همانند کسانی که قبل از آنها بوده اند و آنها را متمکن روی زمین می کنیم و دین می دهیم که راضی باشند بعد از خوف و ترس امنیت به آنها می دهیم که مرا پرستش کنند(رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۵۷)

### ضرورت وجود جامعه اسلامی

جامعه ی اسلامی در مجموع و به تمام معنا، جامعه ای است با خصلت های اسلامی، با ایمان عمیق به خدا و روز آخرت و مجری آموزه های دینی با جدیت و التزام کامل و با کم ترین میزان معصیت و نافرمانی در مقایسه با سایر جوامع بشری. در این جامعه دین همه زندگی افراد را تشکیل می داد و امری حاشیه ای نبود که مردم گاه و بی گاه بدان روی آورده باشند. در واقع دین، حیات و روح مردم را تشکیل می داده است، نه مجموعه ای از اعمال عبادی که مردم نسبت به ادای درست آن ها رغبت نشان داده باشند و دین در حقیقت در اخلاق، افکار، اندیشه ها، رفتار، ارزش ها، روابط خانوادگی، اجتماعی، همسایگی، تعامل، مسافرت، تلاش برای تأمین معاش، رعایت امانت، کفالت ناتوان و بینوایان، امر به معروف و نهی از منکر و نظارت بر اعمال حکام و فرمانروایان، نمود و تجلی یافته است.

برای یک موجود زنده آسایش و خوشی، وقتی فراهم می شود که با محیط و عواملی که او را احاطه کرده اند، هماهنگی و سازگاری متقابل داشته باشد. اگر ناهماهنگی باشد به حکم اینکه موجود زنده جزء است و محیط کل ، پس موجود محکوم به فناست. انسان نیز موجودی زنده است پس تابع این اصل کلی می باشد. انسان علاوه بر محیط طبیعی یک جو و محیط اجتماعی نیز دارد که بر خلاف موجوداتی که به حکم غریزه زندگی اجتماعی دارند، قادر است شرایط اجتماعی خود را با فکر و اراده خویش بسازد. (آذری، ۱۳۹۵: ۱۰۵)

افراد انسانی، عادات، اخلاق عمومی، قوانین و مقررات و بطور کلی عوامل اجتماعی می بایست با امور، آرزوها و احتیاجات ما توافق و سازگاری داشته باشد. هدف اصلی یک زندگی اجتماعی نمی تواند فرد و منافع فردی باشد و بدیهی است که مصلحت جمع همان مصلحت اکثریت افراد جامعه است. در این صورت فرد باید حالت تسلیم و رضا به مصالح اجتماعی داشته و از منافع شخصی چشم بپوشد. اگر در اجتماع عدالت حاکم باشد و زندگی افراد با مصالح اجتماعی توافق و سازگاری داشته باشد، می توان به سعادت واقعی جامعه امیدوار بود. اینجاست که لزوم و اهمیت دین که اساسش توحیدو ایمان به خدای یگانه است روشن می شود. دین هم برای سازگار ساختن محیط اجتماعی با زندگی فردی (ایجاد عدالت اجتماعی و سازمانهای موافق با

مصالح عموم) و هم در ایجاد توافق و انطباق روحیه فرد با مصالح اجتماعی، لازم و ضروری است. (موثقی، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

### ویژگی های جامعه اسلامی

جامع ترین تعریفی که از جامعه اسلامی که تحت حاکمیت حاکم جامع الشرایط اسلامی اداره می شود، این است که: جامعه دینی، جامعه ای است «دین باور»، «دین مدار»، «دین داور» و «مطلوب دین». چنین جامعه ای دارای ویژگی های چندی است:

۱. دین باوری و اعتقاد به آموزه های دینی؛
  ۲. تنظیم نظام حقوقی خود بر اساس دین (شریعت مداری)؛
  ۳. دارای نظام دینی است و جز حکومت دینی را بر نمی تابد. سر آن این است که از منظر جامعه شناسی سیاسی، هر جامعه ای تنها حکومتی را برمی تابد که با نظام ارزش ها، اهداف و آرمان هایش سازگار باشد. از این رو جامعه دینی، قطعاً با نظام مبتنی بر ارزش های سکولار سازگاری ندارد (نظام دینی)؛
  ۴. در جامعه دینی، مردم سلوک و رفتار فردی و اجتماعی خود را با دین موزون می کنند و داوری دین را در این باره پذیرایند (دین داوری)؛
  ۵. چنین جامعه ای قطعاً مطلوب و مورد رضایت دین نیز هست (مطلوب دین). اکنون روشن می شود که بر اساس تعریف و توضیحات یاد شده، بین جامعه و نظام دینی، گسست و جدایی وجود ندارد. (میری، ۱۳۹۴: ۳۵۸)
- از طرف دیگر حفظ و صیانت و تعالی جامعه دینی و نیز اجرای احکام الهی، از اهداف حکومت دینی است؛ خصوصاً آنکه این دو؛ یعنی، «جامعه دینی» و «اجرای احکام» از هم تفکیک پذیر نیستند.

بنابراین، اگر هر یک از آن دو را هدف حکومت دینی بینگاریم، دیگری نیز با آن تأمین خواهد شد. در نهایت اجرای احکام الهی و حفظ جامعه دینی یا دینی بودن جامعه، همه و همه در راستای هدفی دیگر قرار دارند و آن رشد و تعالی و تکامل انسان و رسیدن او به غایات عالی و هدف اساسی خلقت است. بنابراین «حکومت»، هدف و مطلوب نهایی نیست؛ بلکه از اهداف متوسط و وسیله ای جهت تأمین رفاه، امنیت، عدالت، رشد، سعادت و هدایت جامعه است. قرآن مجید، هدایت انسان ها به سوی پروردگار و بندگی را - که تنها راه تکامل بشر است - یکی از برنامه ها و اهداف حکومت صالحان ذکر کرده، می فرماید:



(الَّذِينَ أَنْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ)؛ «همان کسانی که چون در زمین به آنان قدرت دهیم، نماز برپا می دارند و زکات می دهند و به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند، و فرجام همه کارها از آن خدا است». (حج (۲۲)، آیه ۴۱)

البته ابزار بودن «حکومت»، نباید به کم اهمیت تلقی کردن آن بینجامد؛ بلکه حکومت دینی، ابزاری کلیدی و بسیار اساسی است که بدون آن، بسیاری از اهداف دین از بین رفته، یا کم اثر می شود. از همین رو نصوص دینی، به مسأله «ولایت و امامت صالح» اهمیت شایانی داده است و در مواردی حفظ نظام دینی را بر پاسداری از دیگر احکام فرعی مقدم دانسته است. امام صادق (ع) می فرماید: «... وَ لَمْ نُؤَدِي بِشَيْءٍ مِثْلَ مَا نُؤَدِي بِالْوَلَايَةِ»؛ یعنی، در اسلام هیچ چیز به اندازه ولایت مورد توجه و اهتمام قرار نگرفته است (نصری، ۱۳۸۵: ۷۹).

### چگونگی تحقق جامعه اسلامی در قرآن

بخش زیادی از سوره مبارکه حجرات، ترسیم یک تمدن و جامعه دینی است؛ جامعه‌ای که مردم آن هم ارتباط صحیح با مبدأ آفرینش دارند، هم پیوند مؤدبانه و مطیعانه با رهبران الهی و هم یک رابطه سالم و اخلاقی بین خودشان برقرار کرده‌اند؛ مردمی که با هم صادق هستند؛ نه دروغ می‌گویند، نه به حرف دروغ اعتنا می‌کنند؛ بنابراین از زندگی جاهلانه فاصله گرفته‌اند و با عقلانیت زندگی می‌کنند.

در آیه ۷ این سوره؛ ایمان، زینت انسان و محبوب دل او توصیف شده و دستوراتی که خداوند می‌دهد بر اساس این ساختار درونی انسان و منطبق بر آن است: «وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زِينَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ»؛ اما خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیدار است و کفر، پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت؛ هم اینان ره‌یافتگانند. (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۲۱۴)

در تفسیر تسنیم آمده است: خدای سبحان برای برقراری تمدن، فرهنگ، امنیت و آرامش جامعه، یک سلسله کارها و اوصافی را در درون انسان جاسازی کرده؛ بعد برابر با همان قوانین درونی، دستورهایی را هم صادر کرده است. انسان از اهانت دیگری رنج می‌برد و از احترام دیگری لذت می‌برد. فرموده‌اند این نفس شما ترازویی است بین شما و دیگران؛ آنچه دیگران از آن لذت می‌برند، همان است که شما از آن لذت می‌برید؛ آن را حفظ کنید. آنچه دیگران از آن رنج می‌برند، شما هم از آن رنج می‌برید؛ خود را از آن حفظ کنید. اگر بخواهید جامعه‌ای متحد داشته باشید و وحدت در جامعه حاکم باشد، وحدت سفارشی نیست، میزانی در درون همه ما

هست؛ فرمود: «اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ غَيْرِكَ»؛ این ترازو یک ترازوی صادقی است؛ مگر اینکه کسی در این ترازو دستکاری کند و اهل تطفیف، کم‌فروشی و گران‌فروشی شود؛ «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ». فرمود شما از دیگران جدا نیستید؛ چیزی که برای خود نمی‌پسندید برای دیگران هم نپسندید. وحدت یک امر سفارشی نیست، بلکه یک امر تکوینی است که شارع مقدس آن را به صورت تشریح درآورده است.

در آیه ۱۰ سوره حجرات، از افراد جامعه اسلامی به‌عنوان برادر یاد شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» و در آیه ۱۱ با عبارت «لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ» می‌فرماید شما نه تنها برادر هستید بلکه به منزله جان یکدیگر هستید. در آیات دیگری این تعبیر لطیف تکرار شده است، مانند: «لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» و یا «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ»؛ یعنی جامعه اسلامی به منزله یک نفر است؛ این یک نفر نباید به خودش اهانت کند؛ نباید خودش را از بین ببرد و نباید حریم خودش را بشکند. این تعبیر از «اِخْوَه» بودن به «انفس» بودن، یک تعبیر بسیار لطیفی است. (موتقی، ۱۳۷۵: ۱۸)

در تفسیر نمونه آمده است که دستورهای شش‌گانه‌ای که در دو آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حجرات مطرح شده (نهی از مسخره کردن، عیب‌جویی، دادن القاب زشت، گمان بد، تجسس و غیبت) هر گاه به‌طور کامل در یک جامعه پیاده شود، آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند؛ نه کسی می‌تواند به‌عنوان خودبرتربینی دیگران را وسیله تفریح و سخریه قرار دهد و نه می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید و نه با القاب زشت حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکند؛ نه حق دارد حتی گمان بد ببرد، نه در زندگی خصوصی افراد به جست‌وجو پردازد، و نه عیب‌پنهانی آن‌ها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر، انسان چهار سرمایه دارد که همه آن‌ها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، مال، ناموس و آبرو. تعبیرات آیات فوق و روایات اسلامی نشان می‌دهد که آبرو و حیثیت افراد همچون مال و جان آن‌هاست، بلکه از بعضی جهات مهم‌تر است. اسلام می‌خواهد در جامعه اسلامی امنیت کامل حکمفرما باشد؛ نه تنها مردم در عمل به یکدیگر هجوم نکنند، بلکه از نظر زبان و از آن بالاتر از نظر اندیشه و فکر نیز در امان باشند و هر کس احساس کند که دیگری حتی در منطقه افکار خود تیرهای تهمت را به سوی او نشانه‌گیری نمی‌کند و این امنیتی است در بالاترین سطح که جز در یک جامعه اسلامی و مؤمن امکان‌پذیر نیست. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۵)

نقش پلیس در جامعه

پلیس همان طور که ذکر شد نظارت کننده و کنترل کننده جامعه است و این کارکرد سنتی پلیس در جوامع به شمار می رود، اما نکته ظریفی که در این میان نباید از نظر دور داشت، این است که پلیس در جهان امروز قدرتی یافته است که هیچ یک از نهادها و سازمان های دیگر اجتماع در این پایه به آن نرسیده اند. امتیاز بزرگ پلیس آن است که علاوه بر این که مظهر حاکمیت (قوة قهریه) است، از نیروی دیگر هم بهره می برد و آن تبدیل پلیس به یک نیروی عرفی است. به این معنا که امروز پلیس از شکل یک سازمان صرفاً بروکراتیک، مبتنی بر نصوص قانونی در اجتماع؛ به عنوان محق برای انجام وظایف ذاتی خود پذیرفته شده است. در جوامع امروز و در فضای ذهنی مردم نقش آفرینی امنیتی پلیس در حوزه های متنوع امنیت مانند امنیت عمومی، اجتماعی، اخلاقی و ... در باور ملتها جای گرفته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۸۷)

#### نقش و کارویژه های نیروی انتظامی و پلیس در تولید نظریه اسلامی - ایرانی

امنیت امروزه مبتنی بر رویکرد های مختلف که برگرفته شده از مکاتب گوناگون فلسفی - فکری می باشد دارای خاستگاه های مختلف بر اساس نظام های معنایی و معرفت شناختی است. چشم انداز تولید نظریه اسلامی - ایرانی امنیت یکی از موضوع های مهم در جمهوری اسلامی ایران است. در این زمینه پلیس و نیروی انتظامی می تواند نقش مهمی را ایفا کند (میری، ۱۳۹۴: ۱۵۷)

نیروی انتظامی، از زمره ضابطین دادگستری بوده که زیر نظر مقام قضایی و تحت دستورات آن انجام وظیفه نموده و وظیفه کشف جرم و بازجویی مقدماتی، حفظ آثار و دلایل جرم، جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، ابلاغ اوراق و وظیفه تامین نظم و امنیت مردم و جامعه و اجرای وظایف قضایی و قانونی صادره در ارتباط با جرائم ارتكابی و تعقیب قانونی آنها و... را بر عهده دارد. نیروی انتظامی با وجود همه کم و کاستی ها و محدودیت امکانات اختصاصی به نیروها و پرسنل اداری، اجرایی و نظامی مربوطه، بویژه در کلانتری ها و مراکز انتظامی و با وجود درآمد بسیار پائین و نامناسب بودن وضعیت معیشتی و رفاهی بسیاری از آنها، در مقام تامین نظم، امنیت و برخورد با ناقضین حقوق مردم و مرتکبین به جرائم برابر قانون برآمده و چه بسا، با گذشتن از سلامت و جان خویش در راستای ایفای مسئولیت قانونی و حرفه ای خویش تلاش می کنند (آذری، ۱۳۹۵: ۱۶)

امنیت و نظم لازم و ملزوم یکدیگرند به طوری که جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت خواهد بود و فقدان امنیت نیز حاکی از عدم وجود نظام اجتماعی مقتدر است بدین گونه است

که احساس امنیت به تدریج از میان یک ملت رخت بر می بندد. نقش نیروهای پلیس در تأمین امنیت و برقراری احساس امنیت در بین مردن نقش بسیار مهم و انکارناپذیر نی باشد. محافظت از اجتماع، کمک به مردم و ایجاد اطمینان قلبی در مردم و نیز اقدامات پیشگیرانه از وقوع جرم و از همه مهمتر اجرای صحیح قانون از وظایف عمومی این نیرو می باشد. نیروی انتظامی فقط یک نهاد و سازمان سرکوبگر نیست بلکه نهاد حفظ امنیت و آرامش مردم است، اگر نهاد حاکمیت در یک طرف و مردم در طرف دیگر باشند، نیروی انتظامی مابین این دو می باشد و می تواند با یک برنامه ریزی دقیق و مشارکت مردمی به راحتی در تأمین امنیت موفق باشد. (نصری، ۱۳۸۵: ۲۸)

### نیروی انتظامی بعنوان ضابطین دادگستری

طبق ماده ۲۸- ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمعآوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام میکنند.

تکلیف جرم و مجرم، مجنی علیه و مرجع قضایی، به صراحت در قانون مشخص شده است و نیروی انتظامی، به لحاظ عدم صلاحیت تقنینی مجاز به تعقیب مردم و شهروندان و بازداشت آنها یا توقیف خودروی آنها و سلب حقوق شهروندی و آزادی های مشروع و قانونی آنها، برخلاف مراتب فوق و قانون نخواهد بود. در غیر این صورت، باید ضمن پذیرش مسئولیت محتوم قانونی و انتظامی خود، به افکار عمومی داخلی و بین المللی و رسانه ها نیز پاسخگو باشد. نه می توان امکان را از مردم گرفت، نه می توان آرمان را از آنان زدود. توجه به امکان و عنایت به آرمان، حد متعارف یک گفتمان با ایمان است. باید نسبت به پیامدها و واکنش های منفی و احتمالی قابل پیش بینی در این رابطه به مانند بسیاری دیگر از طرح های مقطعی، گذرا و به نسیان گرائیده آن ناجا و سازمان های مشابه، کمی با تدبیر و خرد کارشناسی تامل کرد و صرف نظر از مقاطع زمانی پیش رو در این ایام، با رعایت روزافزون قانون اساسی و حقوق شهروندی و احترام به آزادی های مشروع و قانونی مردم، در کنار آنها و برای خدمت به آنان با احترام و افتخار عمل کرد (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۶۶)

### حقوق متقابل مردم و نیروی انتظامی

نهاد نیروی انتظامی یکی از نهادهای مهم و محوری در سطح جامعه تلقی می شود. این نهاد به عنوان مجری قواعد و برقرار کننده ی نظم و امنیت اجتماعی بوده و پیوسته در ارتباط و تعامل با مردم است. تعامل بین نیروهای پلیس و افراد جامعه نیاز به اعتماد متقابل را دو چندان می سازد. با توجه به دغدغه های مربوط به حفظ نظم و کنترل اجتماعی در جامعه مدرن، اعتماد عموم مردم به پلیس از اهمیت ویژه ای برخوردار است نهاد نیروی انتظامی نهاد اجتماعی مهمی محسوب می شود، زیرا پلیس دارای اختیار اعمال اقتدار است و می تواند در مواجهه با شهروندان از اجبار استفاده کند. از این رو اعتماد عمومی برای خود پلیس اهمیت دارد زیرا به ویژه در جوامع دموکراتیک، پلیس باید بتواند برای رفتارهای خود از شهروندان مشروعیت کسب کند. بنابراین نیروی انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت موثر و کارآمد نیاز دارند که رابطه مطمئنی با شهروندان داشته باشند. در رویکرد جامعه محور امنیت صرفاً وابسته به ساز و کارهای سخت افزاری نیست و رضایتمندی از اقدامات پلیس جلب اعتماد و حمایت عمومی و تبدیل قوانین و مقررات به باور و هنجارهای مورد پذیرش مردم، رمز اصلی موفقیت و اثر بخشی اقدامات قانونی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

### جامعه اسلامی و نقش ناجا در تحقق آن

یکی از توانمندی ها و ظرفیت های مورد نیاز ناجا در تراز تمدن نوین اسلامی، دانش بنیان شدن پلیس و گسترش دانش پلیسی است. دانش پلیسی در جهان، حوزه تحقیقاتی است که به سرعت در حال رشد است که موضوعات، رویکردها و شیوه های گوناگونی را دربر می گیرد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با هدف توسعه دانش انتظامی، اقدامات مهمی را در دستور کار خود قرار داده و چشم انداز دانشی خود را در افق ۱۴۰۴ ترسیم نموده است. روش بکار رفته در این مقاله روش توصیفی است که با وام گیری از آثار برجسته علمی در این زمینه و با گردآوری کتابخانه ای در تلاش است تا مفهوم پلیس دانش بنیان و ابعاد گوناگون دانش پلیسی در جهان را بیشتر معرفی نماید. همچنین تلاش می شود تا با ارایه برخی مفاهیم و نظریه های مدرن دانش پلیسی در سطح بین المللی، راه برای گسترش و پیشرفت دانش پلیسی و پلیس دانش بنیان نشان داده شود. یافته ها در چند دسته طبقه بندی شدند که عبارتند از: سازمان ها و مدیریت پلیس، فرهنگ پلیس، مسئولیت پذیری، درستکاری و فساد در پلیس، نقش ها و کارکردهای پلیس، استراتژی ها و سبک های پلیس، ارزیابی روش های پلیس و پیشگیری از جرم، پلیس و انواع جرم و جنایت، آینده پلیس در جامعه پسامدرن و جهانی امروز. (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۱۸۷)

این گونه مدارا ورزیدن و خویشتن داری کردن و بردباری نمودن برخاسته از معرفت حقیقی و وسعت وجودی است و کتاب الهی و سنت نبوی به همین می خواند، هر چه آدمی در معرفت الهی و بندگی بالاتر رود، بر حلم و بردباری و رفق و مدارایی بیشتر دست می یابد و آن که در اخلاق اجتماعی این گونه نیست، بهره از بندگی حقیقی ندارد. انسان در مراتب بندگی، توانایی هایی می یابد که از جمله توانایی بر خود است (گلابی، ۱۳۷۸: ۸۸)

### امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر یک موضوع همگانی است و اجرای آن، تحکیم ارزش های اخلاقی و اسلامی را در پی دارد، این فریضه الهی باید در جامعه، همگانی و نهادینه شود؛ چرا که می تواند به عنوان شیوه ای کارآمد و سدی محکم در برابر بروز آسیب های اجتماعی باشد. ماموریت های نیروی انتظامی از مصادیق بارز این فریضه الهی بوده و همه فرماندهان و مدیران انتظامی باید آمران به معروف و ناهیان از منکر حاکمیتی باشند. (نجفی علمی، ۱۳۷۱: ۲۳)

تربیت انسان های موحد و عارفان به حق جز در جامعه ای که بر پایه عدالت و تقوا بنیان گذاشته شده باشد حاصل نمی گردد. اسلام به تمامی آنچه در ایجاد و استمرار و اصلاح جامعه اسلامی و انسان مسلمانان دخالت دارد توجه کرده است. واگذاری مردم با خود در برخورد نکردن در برابر کژیها و عدم تلاش برای تحقق راستی ها، به معنای نابودی جامعه اسلامی است. تذکر و توجه همگانی و مسئولیت عمومی است که جامعه را اصلاح و از خطرها و گزندها محفوظ می دارد. بر پایه این حقیقت روشن است که «امر به معروف» و «نهی از منکر» به عنوان یک تکلیف عمومی و نظارت همگانی واجب گشته است. (موثقی، ۱۳۷۵: ۱۰۵)

نیروی انتظامی موظف به حمایت از گروه های آمران به معروف و ناهیان از منکر در قالب تامین امنیت و جلوگیری از هرگونه تعرض است و در این زمینه نباید بی تفاوتی از سوی ضابطان قضایی دیده شود. فریضه امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان یکی از اصلی ترین بنیادهای فروع دینی اسلام در گستره وسیعی از آموزه های متون مقدس قرآن و حدیث به روشنی مورد تاکید قرار گرفته و اجرای آن ضامن حیات و بالندگی جامعه اسلامی و ترک آن نافی هویت انسانی و حیات حقیقی بشریت و عامل سقوط و انحطاط اخلاقی - اجتماعی مسلمین قلمداد شده است. این فریضه که در لسان معصومان (ع) به عنوان اشرف الفرائض

معرفی شده، آنچنان که باید و شاید در میان جوامع اسلامی مورد اهتمام و عملکرد جدی قرار نگرفته و مهجوریت آن در این کشور اسلامی بر کسی پوشیده نیست. (آذری، ۱۳۹۵: ۵۴)

در سال های اخیر نظریه به کارگیری و نقش آفرینی پلیس ناجا در هر چه بهتر اجرا شدن این فریضه شرعی، موافقان و مخالفان این طرح را به همراه داشته که با وجود عقیم ماندن نسبی طرح مزبور از سوی طرفین مناقشه، عملاً به نوعی، آسیب دیگری همچون مهجوریت مضاعف امر به معروف و نهی از منکر و نیز مظلومیت دوچندان نیروهای خدوم و ایثارگر ناجا و نادیده گرفتن زحمات طاقت فرسا و توانمندی فوق العاده آنان را به همراه داشته است. (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۴۷)

نیروی انتظامی بنا به مأموریت ها و وظایف محوله، همیشه در خط مقدم خدمت رسانی به مردم و ایجاد امنیت در سطح جامعه بوده و در این حوزه نیز احساس تکلیف می کند. پلیس در مسئله احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، همواره پیشگام عرصه ترویج فرهنگ عفاف و حجاب و برخورد با ناهنجاری های اجتماعی بوده است، با توجه به ضعف برخی از دستگاه های متولی در این حوزه، پلیس، کارنامه قابل دفاعی را ارائه کرده اگرچه در این مسیر گاهی، در مظان اتهام، تهمت و فرافکنی های غیرمنصفانه نیز قرار گرفته، اما هرگز این صحنه را ترک نکرده است. (پارسانیا، ۱۳۸۰: ۴۴)

پلیس به عنوان متولی اصلی تامین نظم و امنیت عمومی، در حلقه آخر از زنجیره عفاف و حجاب است، با این حال در شرایط موجود، اقدامات ایجابی در راستای نهادینه سازی و ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در اولویت اقدامات پلیس قرار دارد. در چنین شرایطی، بسیاری از نهادها و دستگاه های متولی عرصه فرهنگی کشور و مسئول در ترویج و گسترش عفاف و حجاب، چندان به وظایف قانونی، شرعی و تکلیفی خود عمل نکرده اند به نحوی که اکنون بخش بزرگی از بار این ناکارآمدی به نوعی بر دوش ناجا تحمیل شده است. (میری، ۱۳۹۴: ۴۷)

#### **تاثیر عملکرد پلیس بر سبک زندگی مردم**

نیروهای مسلح به خصوص نیروی انتظامی به عنوان نیرویی که در بطن اجتماع است و بیشترین ارتباط با بدنه مردم را دارد به عنوان الگوی عملی و رفتاری مردم قرار دارد و قطعاً سبک زندگی، منش اخلاقی و نحوه رفتاری و گفتاری کارکنان نیروی انتظامی بر سبک زندگی مردم نیز تاثیر دارد. از همین رو نیروی انتظامی بایستی به سبک زندگی کارکنان کادر و وظیفه خود به عنوان یکی از اولویتهای خود اهمیت دهد مواردی همچون ساده زیستی، صداقت در گفتار و رفتار، حسن معاشرت با مردم، امانت داری و ... از اصول تربیتی به شمار می آید که نیروی انتظامی همواره بر آن تاکید دارد.

از طرفی دیگر نظارت پلیس بر واحدهای فروش پوشاک و برخورد با فروش اجناس انحرافی و غرب مآبانه، مقابله جدی با مروجان بدپوششی، بی بندوباری، جلوگیری از دور دور کردن خودروهایی لوکس و گران قیمت و فخر فروشی به اصطلاح افراد مرفه و مواردی از این دست می تواند در تغییر سبک زندگی مردم تاثیر بگذارد که تا کنون این گونه اقدامات از سوی ناجا در حال انجام است و باید همچنان با قوت و اقتدار بیشتری در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب ادامه یابد که البته حمایت و پشتیبانی دیگر دستگاه ها را هم می طلبد. (آذری، ۱۳۹۵: ۷۱)

### عوامل انحطاط جامعه اسلامی

ایجاد و اعتلای جامعه اسلامی همانند دیگر پدیده‌های اجتماعی، تابع یک سری عوامل و شرایطی خاص می باشد که فقدان آنها می تواند رکود و انحطاط جامعه اسلامی را در پی داشته باشد. عوامل و پیش زمینه‌های مانع شکل گیری جامعه اسلامی یا رکود و انحطاط آن را می توان به دو بخش تقسیم کرد:

**الف) عوامل درونی:** بررسی عوامل درونی انحطاط جامعه اسلامی در این فرصت مقدور نیست. لذا به فهرست کردن آنها بسنده می کنیم: استبداد حکام، جهالت و بیخبری توده مسلمان و عقب ماندگی آنها از کاروان علم و تمدن، نفوذ عقاید خرافی در اندیشه مسلمانان و فاصله گرفتن آنها از اسلام نخستین، اختلافات مذهبی، و تفسیر نادرست برخی از مفاهیم اسلامی از جمله عوامل درونی انحطاط جامعه اسلامی اند.

**ب) عوامل بیرونی:** نفوذ استعمار غربی و فعالیت‌های تخریبی دشمنان اسلام، مهم ترین عامل بیرونی تهدید کننده فرهنگ و جامعه اسلامی است که اغلب به صورت تهاجم نظامی، سیاسی و فرهنگی بروز می یابد. البته خطر تهاجم فرهنگی به مراتب بیشتر است و مقابله با آن، امری دشوار می نماید. چرا که در جبهه فرهنگی، دشمن، ابزار کار، هدف و شیوه کار تا حدی زیاد ناشناخته است. دشمن در این جبهه تا آنجا پیش می رود که برخی، دشمن را دوست پنداشته، و فعالیت‌های مرموزانه او را، فعالیت‌های بشردوستانه می پندارند (میری، ۱۳۹۴: ۱۲۸)

پیامبر اکرم (ص) در زمان حیاتش، با عوامل رکود و انحطاط جامعه اسلامی مبارزه کرد. تدبیر و درایت آن حضرت، در عصر خلافت نیز تا حدودی الهام بخش بود و مسلمانان نسبت به عوامل پیشرفت و انحطاط جامعه اسلامی مراقبتی ویژه اعمال می کردند. به تناسب فاصله زمانی جامعه اسلامی از عصر رسالت و خلافت، تمدن اسلامی به تدریج رو به انحطاط نهاد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۸۵).



### بحث و نتیجه گیری

پلیس کشور اسلامی از آن جایی که با پشتوانه تاریخی، روایی، اعتقادی و اخلاقی عظیمی در جهت نیل به امنیت برخوردار است، قطعاً با اندکی بازنگری و بازبینی گذشته خود می تواند به اهداف خود نیز در نیل به جامعه آرمانی دست یابد. این مقاله از آن جایی که به دنبال ارائه راه کارهای مناسب با جامعه و پلیس ایرانی اسلامی است، به ضرورت بحث، هر گاه نیاز شده از آیات و روایاتی برای تأیید راه کارهایی ارائه شده کمک گرفته است. خوشبختانه گنجینه عظیم معارف اسلامی و مهم تر از آن تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام و تجربه های مکرر آن، امروزه می تواند بسیاری از نیارهای نیروهای امنیتی و انتظامی جامعه را متناسب با باورهای اسلامی پاسخ دهد. قطعاً مقالاتی از این دست در آشنایی پلیس با هویت اسلامی خود و نیز اهمیت مقوله امنیت در اسلام سودمند بود، چرا که اسلام کامل ترین تعالیم و آموزه ها را دارد و بی تردید کاربردی این آموزه ها در حوزه امنیت می تواند بسیاری از معضلات و مشکلات پیش روی نیروهای انتظامی را مرتفع نماید.

پویایی ماهیت اسلام، تجربه انقلاب اسلامی عصر نبوی، شکل گیری تمدن عظیم اسلامی در مدینه النبی (ص)، آرمانگرایی و قانون مندی تمدن اسلامی، احساس ارزشمند بازگشت به اسلام و ارزش های دینی، پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی «ره»، همه نوید بخش پیروزی اسلام و احیای تمدن اسلامی اند.

وظیفه امروز نیروی انتظامی اشاعه فرهنگ دینی در جامعه و برخورد با هنجارشکنان است. نیروی انتظامی همواره در کنار آمران به معروف قرار دارد و از آنها حمایت می کند، باید با همکاری نهادهایی همچون سپاه، ستاد احیای امر به معروف، دستگاه قضایی و دیگر نهادهای مرتبط فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در قم به عنوان ام القرا عملیاتی کنیم تا پایلوت فرهنگی برای کل کشور باشد. نیروی انتظامی با اتصال به روحانیت و مرجعیت فکری، دینی و سیاسی می تواند روز به روز بر اقتدار خود بیافزاید.

### پیشنهادات

- (۱) بیان و توضیح شاخصها و معیارهای جامعه اسلامی و بکارگیری آنها.
- (۲) تبیین شیوه ها و روش های اخلاق کاربردی در تحقق جامعه مطلوب اسلامی و آثار امنیتی آن.
- (۳) نقش پلیس جمهوری اسلامی با توجه به معیارهای جامعه اسلامی و برقراری امنیت آن.

- ۴) فرهنگ سازی در جامعه به شیوه های مختلف برای بکارگیری معیارها و دستورات لازم برای برقراری امنیت و آرامش.
- ۵) پیشنهاد می شود با تشکیل کارگروهی در معاونت اجتماعی نیروی انتظامی که ارتباط تنگاتنگی با مردم داشته باشد، به صورت ماهانه به آسیبشناسی علل تعاملت نادرست و مخدوش کننده نیروهای پلیس با مردم و همچنین ارائه راهکار برای حل آن، بپردازد تا در دستیابی به مشارکت مردم با پلیس، کوتاهی های احتمالی نیروهای پلیس شناسایی و برای رفع آن تالش شود
- ۶) معاونت اجتماعی نیروی انتظامی با استفاده از اساتید مجرب به آموزش مداوم نیروهای خود در قالب دوره های یک روزه، در زمینه راه های هر چه بیشتر جلب رضایت شهروندان و همچنین شیوه های برخورد موثر با شهروندان بپردازد.
- ۷) میزان همکاری و مشارکت افراد جامعه با پلیس در گروه اخلاق و برخورد پلیس با شهروندان است. زبان و کلام پلیس که عناصر نحوه برخورد پلیس را تشکیل می دهد مهمترین ابزار پلیس جهت ایجاد ارتباط با مردم می باشد. ضرورت دارد پلیس رفتاری مناسب، تکلم صحیح و با نزاکت همراه با خویشتن داری و سعه صدر زمینه ها و توسعه مشارکت مردم را فراهم نماید
- ۸) پلیس محلی دارای مأموریت حفظ نظم و آرامش است. جهت تحقق اهداف پلیس محلی میتوان به افزایش ایستگاه ها یا پستهای کوچک پلیس در محله های جرم زا پرداخت. این ایستگاه های پلیس محلی با همکاری شهروندان داوطلب، مردم را در زمینه پیشگیری از جرم توجیه و از روشهای مختلف آن آگاه می کنند و از این طریق نظم را در منطقه برقرار می نمایند. هدف های پلیس محلی عبارتند از؛ کاهش احساس ناامنی، مهار و کنترل جرایم خرد و افزایش اعتماد به پلیس
- ۹) پلیس پیشگیری باید از دانش و مهارتهای خاص در زمینه مبانی و ساز و کارهای پیشگیری از جرم بهره مند گردد. این پلیس باید از موقعیت سازمانی روشن و واضحی برخوردار بوده، نحوه تعامل مطلوبی با سایر افراد نیروی پلیس داشته باشد.

## منابع

- ۱) ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۰۸ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲) آذری، سکینه و سعید حسین زاده (۱۳۹۵) *نقش پلیس در نظم و امنیت جامعه*، اولین همایش ملی آینده پژوهی، علوم انسانی و امنیت اجتماعی، لرستان، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان لرستان- موسسه عدالت گستر بارکه افلاک
- ۳) باتامور، تی. بی. (۱۳۵۷). *جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن منصور و حسن حسینی. چاپ سوم. تهران: انتشارات سهامی.
- ۴) بیرو، بیرو. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- ۵) پارسانیا، حمید. (۱۳۸۰). «چیستی و هستی جامعه از دیدگاه استاد مطهری». *مجله علوم سیاسی*. سال چهارم. شماره ۲ (پیاپی ۱۴).
- ۶) دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). *قواعد روش جامعه‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. چاپ ششم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷) رفیع پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *آنا تومی جامعه*. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۸) ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵). *دائرة المعارف علوم اجتماعی*. ج ۲. تهران: انتشارات کیهان.
- ۹) سلیمانی، داود. (۱۳۸۰). *دو طبقه اجتماعی در قرآن*. چاپ اول. تهران: نشر شیوه.
- ۱۰) سووه، توما. (۱۳۵۸). *فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی*. ترجمه خلیل مکی. چاپ دوم. تهران: انتشارات رواق.
- ۱۱) صدر، محمدباقر. (۱۳۶۷). *انسان مسئول و تاریخ ساز از دیدگاه قرآن*. ترجمه محمد مهدی فولادوند. چاپ دوم. تهران: نشر بنیاد قرآن.
- ۱۲) صلیبا، جمیل. (۱۳۷۰). *واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی*. ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی. چاپ اول. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳) کمالی، علی. (۱۳۸۴). *قرآن و جامعه*. چاپ اول. قم: نشر فرتاب.
- ۱۴) کینگ، ساموئل. (۱۳۵۵). *جامعه‌شناسی*. ترجمه ربیع مشفق همدانی. چاپ ششم. تهران: نشر سیمرغ.
- ۱۵) گلابی، سیاوش. (۱۳۷۸). *اصول و مبانی جامعه‌شناسی*. چاپ نهم. تهران: نشر میترا.

- ۱۶) گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه گروه مترجمان. چاپ اول. تهران: نشر مازیار.
- ۱۷) مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۰). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. چاپ پنجم. تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۸) مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). جامعه و تاریخ. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- ۱۹) موثقی، سید احمد. (۱۳۷۵). استراتژی وحدت. مقدمه علامه محمدتقی جعفری. چاپ دوم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۰) میری، محسن؛ علیمراد مرادی و احمد صادقی (۱۳۹۴) بررسی نقش پلیس جامعه محور در ایجاد امنیت اجتماعی، همایش ملی سبک زندگی، نظم و امنیت، زنجان، دانشگاه زنجان
- ۲۱) نجفی علمی، محمدجعفر. (۱۳۷۱). جامعه و سنن اجتماعی در قرآن. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۲۲) نصری، عبدالله. (۱۳۸۵). مبانی انسان‌شناسی در قرآن. چاپ پنجم. تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.